



## بررسی تطبیقی اشعار ابراهیم ابوطالب و مصطفی رحماندوست

در حوزه ادبیات تعلیمی کودک

د. علی اکبر فراتی(\*)

معصومه تقی‌زاده(\*\*)

تاریخ دریافت: ۲۰۲۳/۱۱/۱

تاریخ پذیرش: ۲۰۲۴/۱/۳۰

### چکیده

ابراهیم ابوطالب از شاخص‌ترین شاعران ادبیات کودک در یمن است که چندین دفتر شعری خود را به ادبیات تعلیمی کودکان اختصاص داده‌است. وی در این اشعار به رویکردی اسلامی به مسائل آموزشی، تربیتی، ملی و فرهنگی پرداخته‌است. ابوطالب در به کارگیری کلمات و نیز وزن و آهنگ اشعار خود سعی دارد مطابق با ذوق و قدرت ذهنی کودک عمل کند. مصطفی رحماندوست نیز از چهره‌های شاخص ادبیات کودک ایران به شمار می‌آید، او کودکان را سازنده فردا جامعه می‌داند که باید برای آموزش آن‌ها سرمایه‌گذاری شود. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی

(\*) استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)

*a.forati@ut.ac.ir*

(\*\*) دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، ایران *masometaghizadeh@ut.ac.ir*

و براساس مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی سعی شده است اشعار ابراهیم ابوطالب و مصطفی رحماندوست در حوزه ادبیات کودک، مضامین و راهکارهایی که در زمینه تربیت و آموزش و آگاهی کودکان به کار بسته است، مورد تحلیل و پژوهش قرار گیرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هر دو شاعر با به کارگیری زبانی آسان و گیرا، فهم و درک مضامین اجتماعی، فرهنگی و ملی را برای نوباوگان میسر می‌گردانند و ضمن ارضای نیازهای عاطفی کودکان، نیروی اعتماد به نفس آن‌ها را تقویت می‌کنند. با توجه به زمینه دینی هر دو شاعر که از فرهنگ اسلامی نشأت می‌گیرد، سروده‌های کودکانه ابوطالب و رحماندوست، موضوعاتی چون حفظ ارزش‌های اخلاقی و کرامت انسانی را در وجود نونهالان سرزمین خود، نهادینه می‌سازد.

**کلمات کلیدی:** ادبیات کودک، ادبیات تعلیمی، ابراهیم ابوطالب، مصطفی رحماندوست

## ۱- مقدمه

وقتی در مورد شعری که مخاطب آن کودکان هستند صحبت می‌کنیم، منظور ما از کودکی در این تعریف مرحله پیش از مدرسه آنان است اما نقطه آغاز این شعر هنگامی است که کودک قادر به فهم آن باشد مثلاً از شش سالگی تا دوازده سالگی که کودک در آستانه نوجوانی قرار می‌گیرد بنابراین کودکان سنین یک تا ۴ سال از تعریف ما خارج هستند. تعاریف در مورد ادبیات کودکان متعدد است زیرا یک اثر ادبی مرکب است که عقل و احساسات را در هم می‌آمیزد و با توجه به تمدن جهانی معاصر، مرزهای ادبی جداگانه و مستقلاً دارد. اصطلاح ادبیات کودکان، به عنوان یک رشته و هنر ادبی، اصطلاحی تازه تاسیس و تازه انتشار یافته است. «چرا که به نظر می‌رسد، حدوداً در پایان جنگ جهانی دوم با صدور اعلامیه حقوق کودک از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد، شروع شد و گسترش یافت. هنگامی که کلمه «کودکان» به ادبیات اضافه گردید، مشخصات جدیدی به آن اضافه شد. مانند

در نظر گرفتن مراحل زندگی و سن این کودکان، تمایلات آنها، نیازهایشان و فرهنگ لغات زبانی آنها تا در ادبیات، لذت ذهنی و عاطفی را دریابند.» (عبد الفتاح، ۲۰۰۰م، ص ۲۲-۲۵)

با توجه به نوین بودن ادبیات کودک در ادبیات معاصر، تعاریف بسیاری از آن ارائه شده است. «احمد زلط» در تعریف ادبیات کودک می‌گوید:

«ادبیات کودکان، گونه جدید ادبی در ادبیات هر زبان است. شامل شعر، نثر و به شکل شفاهی و نوشتاری است. این ادبیات، زبان، خیالات، شناختها و آمیختن و خوی گرفتن کودکان با زندگی را با هدف پیوستن به ادبیات و فنونش برای تحقق وظایف تربیتی، اخلاقی، هنری و زیبایی شناختی، ارتقاء می‌بخشد.» (حوامده، ۲۰۱۴ م، ص ۲۱) در هر اثر ادبی نویسنده سعی در انتقال مفهومی به خواننده خود دارد اما بخشی از ادبیات به طور خاص هدف خود را آموزش دسته‌ای از مفاهیم قرار داده است بنابراین، «اثر تعلیمی، اثری است که دانشی (چه عملی و چه نظری) را برای خواننده تشریح کند یا مسائل اخلاقی، مذهبی و فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد.» (شمیسا، ۱۳۷۰ ه. ش، ص ۲۸۵) ادبیات کودکان با گرایش تعلیمی و آموزشی به عنوان ابزاری کارآمد در جهت رشد فکری، اخلاقی و فرهنگی کودکان به شمار می‌رود و موجبات شناخت آنها را از جامعه و محیط اطراف خود فراهم می‌آورد. علی‌رغم رشد دستگاه‌های سمعی و بصری و ساختن برنامه‌های تلویزیونی مختص کودکان و نوجوانان که بسیار هم جذابیت دارند، ادبیات کودکان هم چنان نقش و جایگاه خود را حفظ کرده است. ادبیات کودکان و نوجوانان با فضا سازی، عناصر، ماجراها، روابط و شخصیت‌هایی که در اختیار دارد، عناصر و مواد ذهنی و ارزشی کودکان را تشکیل داده و شخصیت و گرایش‌های ذوقی و رفتاری خاصی را در آنها ایجاد می‌کند. در سال‌های اخیر ادبیات عرب شاهد انتشار آثار بسیاری در زمینه ادبیات کودک بوده است. اولین آثار ادبی که در دوره معاصر در زمینه ادبیات کودک نوشته شد با نهضت ترجمه «رفاعه طهطاوی» در مصر دوران حکومت محمد

علی پاشا شروع شد و صرفاً در حد یک تأثیر پذیری از آنچه روشنفکران عربی در کشورهای اروپایی به ویژ فرانسه دیده بودند بود «زیرا اولین ظهور و بروز این نوع ادبی در قرن هفده میلادی در فرانسه بوده است.» (شرايحه، ۱۹۸۳م، ص ۲۰) علاوه بر این، اولین برخورد مصر با غرب نیز بعد از حمله‌ی ناپلئون با کشور فرانسه بوده است. «بعد از رفاعه نیز چشم گیرترین آثار ادبیات کودک را احمد شوقی به عنوان امیر الشعرا به زبان عربی تألیف کرد که به شکل داستان‌هایی از زبان پرندگان و حیوانات بود.» (موسی و الفیصل، ۲۰۰۰م، ص ۲۴) اما در چند دهه اخیر و به طور تقریبی می‌توان گفت در تمام کشورهای عربی گرایش ادبیات کودک یکی از مطرح‌ترین حوزه‌های فعالیت شاعران و نویسندگان شده است. با توجه به اینکه در حوزه ادبیات کودک یمن و به ویژه آثار ابراهیم ابوطالب پژوهشی صورت نگرفته است در این مقاله برآنیم تا جنبه‌های مختلف ادبیات تعلیمی کودک را در آثار ابراهیم ابوطالب مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

## ۲- پیشینه پژوهش

تاکنون در زمینه ادبیات کودک در زبان عربی پژوهش‌های بسیاری انجام شده است که گزارش و تفصیل آن‌ها از حوصله این جستار خارج است اما به طور مشخص در زمینه ادبیات کودک شاعر یمنی ابراهیم ابوطالب پژوهش‌های یافت شده انگشت شمار بوده و به قرار زیر است:

- عزیزى پور، محمد رضا و دیگران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ی «بن مایه‌های ادبیات مقاومت در شعر ابراهیم ابوطالب»، در شماره یک، سال سوم فصلنامه ادبیات دفاع مقدس به بررسی اساسی ترین بن مایه‌های ادبیات مقاومت مانند وطن دوستی، انقلاب یمن و بیداری اسلامی، دعوت به اتحاد و... در دیوان «حین یهب نسیمها» پرداخته‌اند.
- محمد قاید، أحمد مهیوب، (۲۰۱۸)، در مقاله «أثر التراث فی شعر ابراهیم

ابوطالب» شماره دوم مجله دانشگاه الجزیره به بررسی میراث ادبی و تاریخی مانند کاربست متون ادبی ادبیات قدیم و کاربست متون دینی مانند آیات قرآن، شخصیت انبیا، احادیث نبوی در دیوان «ملهمتی و الحروف الأولى» پرداخته است.

در مورد اشعار مصطفی رحماندوست تاکنون پژوهش‌های گسترده‌ای انجام شده است که به ذکر موارد مربوط با عنوان جستار حاضر اکتفا می‌کنیم.

- دانائی، آیدا و دیگران (۱۴۰۱) در مقاله «مؤلفه‌های تعلیمی در اشعار کودکانه مصطفی رحماندوست و احمد شوقی» فصل‌نامه بهارستان سخن، سال نوزدهم، شماره ۵۷، بعد از بیان نگاه شوقی و رحماندوست به ادبیات کودکانه، تحلیل خود را بر مبنای تعریف و تقسیم‌ژان پیاژه از مراحل شناختی رشد کودک قرار داده و به بررسی مضامین اخلاقی و معضلات اجتماعی در دیوان دو شاعر پرداخته‌اند اما در زمینه موضوعاتی مانند انواع مشاغل و اهداف آموزشی چیزی ننوشته‌اند.

- هاجر الهائی (۱۳۹۵) در مقاله «دراسة مقارنة عن القيم التربوية و الاجتماعية فی نشيد الأطفال لدى عبدالقادر السائحي و مصطفی رحماندوست» مضامین تربیتی، آموزشی، اجتماعی را با رویکرد ادبیات تعلیمی مورد بررسی قرار داده‌اند.

- حسین عابدی (۱۳۹۴)، «رویکرد نشانه‌شناختی به کودک، در شعر پایداری فلسطین و ایران»، نگارنده در رساله دکتری، رشته زبان و ادبیات عرب با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و تحلیل نشانه‌شناسانه در شعر چهار تن از شاعران مقاومت فلسطین (محمود درویش، سمیح القاسم، راشد حسین و فدوی طوقان) و چهار تن از شاعران ایران (قیصر امین پور، سلمان هراتی، مصطفی رحماندوست و جعفر ابراهیمی) پرداخته است و با موضوع (کودک جنگ) هشت نشانه «عنوان شعر»، «روایت»، «زمان»، «مکان»، «اشخاص»،

«بینامتن» و «مؤلف» را در آن‌ها مورد بررسی قرار داده است.

- الهام جرفی (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی عناصر داستان در آثار عبد التواب یوسف و مصطفی رحماندوست»، نگارنده در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با روش کتابخانه‌ای - توصیفی، به بررسی جامع عناصر داستان هم چون شخصیت، زاویه دید، درون مایه، پی‌رنگ و... در پنج اثر از هر کدام از نویسندگان پرداخته است.

- نجمه دری و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله «پیوند وزن و محتوا در شعر مصطفی رحماندوست و ناصر کشاورز» هماهنگی دو عنصر وزن و محتوا را در حجم وسیعی از اشعار هر دو شاعر بررسی کرده‌اند و عامل موفقیت هر دو شاعر را پیوند میان وزن و محتوا دانسته‌اند.

با توجه به پیشینه مذکور برخلاف اشعار "مصطفی رحماندوست" در مورد اشعار تعلیمی "ابراهیم ابوطالب" پژوهشی انجام نشده است و نیز در میزان تطبیق نیز اشعار این شاعر با هیچ شاعر فارسی‌زبانی مورد مقایسه و تطبیق قرار نگرفته است. هرچند پژوهش تطبیقی در مورد اشعار "رحماندوست" مسبقاً به سابقه است اما در مورد مقایسه اشعار او با شعرای ادبیات کودک یمن پژوهشی یافت نشد. در این پژوهش علاوه بر بررسی جلوه‌های تعلیمی اشعار "ابوطالب" به مقایسه آن با اشعار یکی از برجسته‌ترین شعرای ادبیات کودک ایران یعنی مصطفی رحماندوست پرداخته‌ایم.

### - پرسش‌های پژوهش

- نقاط اشتراک و افتراق "ابراهیم ابوطالب" و "مصطفی رحماندوست" در اشعار تعلیمی چیست؟
- هر کدام از این دو شاعر از چه مضامینی در آموزش به کودکان بهره‌جسته‌اند و چرا؟

### ۳- شعر و سرود در ادبیات کودک

شعر به جهت آهنگ و موسیقی و شوری که در کودک ایجاد می‌کند با احساس و عاطفه او سخن گفته و بر رشد ذوق ادبی او تأثیر می‌گذارد علاوه بر آن یادگیری بسیاری از مفاهیم درسی و مسائل اخلاقی با ضرب آهنگ شعر سهولت و سرعت چشم‌گیری دارد. «شعری که برای کودکان انتخاب می‌شود باید با نیازهای روان شناختی و ذوق ادبی آنان هماهنگ و مرتبط باشد و کودکان بتوانند معانی، عاطفه و احساس به کار رفته در آن را درک کنند و این موضوع به خوبی در آثار شاعران عرب زبان مشهود است.» (شحاته، ۱۹۹۴م، ص ۲۶) کودکان استعداد فطری زیادی برای سرود خوانی دارند لذا نمونه‌های شعری زیبا می‌تواند در این زمینه کمک شایانی بکند. «علوم تربیتی نوین نیز بر اهمیت ترانه و سرودها برای کودکان تأکید کرده و به آموزش آن فراخوانده‌است.» (موسی، الفیصل، ۲۰۰۰م، ص ۵۲) ادبیات عربی نیز که با عنوان الشعر دیوان العرب از دیرباز با شعر انس و الفتی دیرینه دارد و شاید بتوان گفت هنر و نوآوری ملت عرب در زبان عربی جلوه کرده‌است از پتانسیل بالایی برای تولید آثار در ادبیات کودک برخوردار است.

### ۴- ابراهیم ابوطالب

ابراهیم محمد بن عبد الرحمن ابوطالب در سال ۱۹۷۰ در یکی از روستاهای حاشیه استان صنعاء به نام الحیمه الخارجیه در یمن به دنیا آمد. دوران ابتدایی و دبیرستان خود را در مدارس این منطقه تحصیل کرد. زیر نظر پدر بزرگش شاعر بزرگ و عالم مجتهد عبدالرحمن ابوطالب علوم عربی و ادبیات را آموخت. مدرک کارشناسی خود را با درجه عالی در رشته ی زبان و ادبیات عرب از دانشکده تعلیم و تربیت دانشگاه صنعاء دریافت کرد. وی از سال ۱۹۹۳ به تدریس زبان عربی در دبیرستان‌های صنعاء پرداخت. او در مدرسه ضمن فعالیت‌های پرورشی سروده‌ها و نمایش‌نامه‌هایی را نوشت.

چند نمایش نامه کودکانه او با نام‌های «انا نحن من يهواك»، «صرخه» و «اوبریت»، «من فوائد العلم» و «العلم و الشباب» مدرسه‌های یمن اجرا شد. و همچنین «به عنوان استاد مدعو در دانشکده علوم و تکنولوژی صنعا مدرس دروس مهارت‌های ارتباطی، زبان عربی، فرهنگ اسلامی، تمدن اسلامی، مدرس دروس بلاغت، علم عروض و قافیه، مهارت های زبانی، متون ادبی، صرف، تحلیل متون، موسیقی شعر در دانشگاه ملک خالد سعودیه فعالیت داشته است.» (شبلول، ۱۹۹۸م، ص ۲) وی از دورانی که در مدرسه به عنوان معلم کار می‌کرد، با نوشتن نمایش نامه‌ها به ادبیات کودک راه یافت. بسیاری از آثار وی از طریق رسانه‌های دیداری و شنیداری، شبکه‌های ماهواره‌ای برای کودکان پخش شده است. اما آثار جدی‌تر وی در این زمینه عبارت اند از: مجموعه شعر «أغاريد و أناشيد»، دیوان «هيا نغني يا صغار»، مجموعه شعر «أنا أحب عملي»، دیوان «أغاريد و أناشيد للبراءة»، مجموعه شعر «أناشيد الطفولة» از این میان دیوان «أغاريد و أناشيد» مورد توجه و استقبال بسیاری از ادبا و شاعران قرار گرفته است.

## ٥- تحلیل و بررسی اشعار ابراهیم ابوطالب

ابراهیم ابوطالب، در مجموعه اشعار خود کودکان سرزمین خودش یمن و کودکان جهان عرب را مورد خطاب قرار داده است. ابوطالب قدرت خلاقانه و اندوخته فرهنگی خویش را به کار گرفته است تا آنچه به دنیای پیرامون کودک مانند جامعه، طبیعت و سایر مخلوقات ارتباط دارد را به تصویر بکشد و در این تلاش میراث فرهنگی ملی خویش را که به دلیل بی توجهی ادیبان رو به نابودی دارد از یاد نبرده است. از جمله در دیوان «أغاريد و أناشيد للبراءة» داستان زندگی پیامبران را در قالب شعر سروده و مشهورترین حوادث دوران رسالت آنان و نیز عبرت‌هایی که از زندگی آنان حاصل می‌شود را فراموش نکرده است. او در این مسیر به یاری حس کودک درون شعله‌ور خویش از دنیای کودکان، مدرسه، هنر و تشویق بر هدف مندی

گفته‌است و به کشورهای مختلف عربی، پایخت هر کدام، آداب و رسوم و مهم‌ترین و بارزترین آثار هر یک سری زده است. «سبک او به گونه‌ای است که گاهی تا عمق افکار و احساسات کودکان نسبت به پیرامونشان نفوذ کرده‌است و سعی نموده است تا گفتمان کودکانه را به اوج قله هنر و ابتکار برساند.» (الوریث، ۲۰۰۷م، ص ۹۲-۹۳) او با این سبک شعری زیبا توجه مخاطب را به ارزش‌ها، سنت‌ها، مسائل روز امت عربی و عشق به میهن جلب کرده‌است.

#### ۱/۵. روایت‌های شعرهای و خلق شخصیت‌های داستانی

یکی از راهکارهای مهم آموزش و آشنا کردن کودکان با دین به عنوان منبع مهم هویت ساز، شعرهای داستانی است. داستان‌ها از مهم‌ترین شیوه‌های شناخت ابعاد زندگی در زمان گذشته، حال و آینده است زیرا کودکان هنگامی که دایره‌ی واژگانی نسبتاً خوبی به دست می‌آورند وابستگی شدیدی به داستان پیدا می‌کنند؛ با قهرمانان و حوادث داستان هم زاد پنداری می‌کنند «به ویژه که داستان با لطافت و مهربانی و جذابیت کودک را به سمت و سویی که می‌خواهد می‌برد و از طرفی علاوه بر رشد عقلی و اخلاقی کودک در تکوین سبک زبانی کودک نیز تأثیر می‌گذارد.» (شحاته، ۱۹۹۱م، ص ۱۸۱)

داستان‌های دیوان «أغارید و أناشید للبراءة» به داستان زندگی پیامبران محدود نمی‌شود شاعر که می‌داند ذهن کودک از یکنواختی و یک رنگی داستان‌ها خسته خواهد شد، شش داستان را با عنوان «الحکایة» از زبان حیوانات برای کودکان در قالب شعر تعریف می‌کند. در داستان «ماده شیر و سگ» که تعداد ابیات شعری آن از نه بیت تجاوز نمی‌کند شاعر علاوه بر تغذیه خیال کودک قصد دارد به کودک آموزش دهد که اگر کسی به او حسادت ورزید چگونه باید برخورد کند.

«اینجاست که تجربیات دیگران از طریق قصه‌هایی که به او ارائه می‌گردد، به او افزوده می‌شود و به او کمک می‌کند تا در مورد چیزهای بی شمار و بسیاری از

اشخاص که در زمان و مکانی به غیر از زمان و مکان او زندگی می‌کردند، بیاموزد.» (حلاوه، ۲۰۰۰م، ص ۹) ابتدای داستان کودکان دور مادر بزرگ خود جمع شده و از او می‌خواهند برایشان داستانی تعریف کند:

فِي غَابَةِ مُعَدَّةٍ / فِي عَيْشِهَا رَغْدًا / كَانَتْ تَعِيْشُ كَلْبَةً / جَرَاؤُهَا عَدَدًا / حِيْنَ تَسِيْرُ حَوْلَهَا /  
 كَمُوْكِبٍ مُّعَدِّ / تَفْخَرُ فِي جِيْرَانِهَا / بِكَثْرَةِ الْعَدَدِ / مَرَّتْ عَلَيْهَا لَبْوَةٌ / فِي سَيْرِهَا جَلْدًا / فَاسْتَوْقَفْتَهَا  
 عَنْوَةً / كَيْ تُشَعَلَ الْحَسَدُ / وَغَيْرَتِهَا / أَنْهَا قَلِيْلَةٌ / الْوَلْدُ رَدَّتْ بِقَوْلِ صَارِمٍ / إِذْ صَبَرَهَا نَقْدًا /  
 أَنْجَبَ حَقًّا وَاحِدًا / لَكِنَّهُ أَسَدٌ (ابوطالب، ۲۰۱۶م، ص ۱۶۹).

در جنگلی دور / سگی در آسایش زندگی می‌کرد / هنگامی که راه می‌رفت / تعداد زیادی از توله‌هایش پشت سرش راه می‌افتادند / گویی که کاروانی آماده به حرکت هستند / او در میان همسایه‌ها به کثرت فرزندانش فخر می‌فروخت / روزی ماده شیری که با تانی راه می‌رفت از کنار او گذشت / سگ به زور شیر را نگه داشت / تا آتش حسد را در او برافروزد / و به او ایراد گرفت که تعداد فرزندانش کم است / شیر که کاسه صبرش لبریز شده بود / جوا دندان شکنی داد و گفت: درست که کم است اما بچه من شیر است.

در حکایت «گره و مرغ» این پیام آموزشی را از طریق دیالوگی که میان مرغ به عنوان شخصیت مثبت داستان و گره به نماد شرارت و پلیدی صورت می‌گیرد به کودکان منتقل می‌کند که مبادا فریب دشمنی که در لباس دوست ظاهر شده است را بخورند. ابوطالب با به کار گیری حرف روی (راء) تحرک و پویایی داستان را ملموس نموده است:

سَمِعَ الْقِطُّ عَن وَجُوْدِ دَجَاجٍ / يَشْتَكِي مِنْ أَلَامِ رِيْشِ خَطِيْرَةٍ / فَتَخْفَى فِي زِيْهِ كَطِيْبٍ /  
 حِيْنَ وَاتَتْهُ فِكْرَةٌ مُّسْتَنْبِرَةٌ / إِنَّهَا فَرِصَةٌ مَّمْنِي لِقَاهَا / يُشْبِعُ النَّفْسَ مِنْ لِحُوْمٍ كَثِيْرَةٍ / عَرَفْتَهُ  
 الدَّجَاجُ قَطًّا لَيْمِيًّا / فَتَنَادَتْ فِي صَرْخَةٍ مُّسْتَنْبِرَةٍ / نَحْنُ يَا قِطُّ فِي نَعِيْمٍ وَخِيْرٍ / حِيْنَ تَبْقَى  
 مِنْ خَلْفِ سُوْرِ الْحِظِيْرَةِ. (۱۷۶، ص همان)

گره شنید مرغی وجود دارد که از درد بال‌هایش شکایت می‌کند / فکر خوبی به

سر گربه زد / و در لباس پزشک خودش را مخفی کرد/ این فرصتی است که همیشه آرزویش را داشت/ تا از گوشت های فراوان سیر شود/ مرغ او را چون گربه ای پست فطرت شناخت/ برای همین فریاد بلندی زد و گفت: ای گربه! تا زمانی که تو پشت دیوارهای پرچین بمانی، ما در آسایش و آسودگی هستیم.

مصطفی رحماندوست نیز با استفاده از تشبیه و تشخیص، کودک را به دنیای خیال انگیز می برد و صفات پسندیده و نیک و صفات ناپسند را به حیوانات نسبت داده و آنرا به کودک نشان می دهد. او در مجموعه شعری «ماست و خروس و کدخدا»، ویژگی های مثبت خروس یعنی سحر خیزی، تلاشگری و امید را ساده و عامیانه وصف می کند:

آن یک بود، یکی نبود/ بچه ها با نام خدا/ اتل متل، چه قصه ای / «ماست و خروس و کدخدا»/ در ده سبز و با صفا/ پیرزن خروسی داشت/ خروسی ناز، گل باقالی/ تاج به سر ملوس داشت/ صبح که میشد خروس زری/ اذان می داد: قوقولی قوقو/ می گفت که برخیز پیرزن/ باز شده وقت رفت و رو/ بیدار شو از خواب، پیرزن/ از خواب بی جا چه دیدی/ با اینکه لنگ ظهر شده/ باز تو همین طور لمیدی؟ (رحماندوست، ۱۳۷۹ ه.ش، ص ۴-۵).

وی هم چنین، در سروده ی زیبا و تاثیر گذار «روباه» با کمک آشنایی زدایی و جان بخشی به روباه، از زبان خود این حیوان، کودک را مخاطب قرار داده و از صفت منفی نیرنگ بازی و حيله گری بیزاری می جوید و کودک را نیز با خود همراه می کند. روباه، برخلاف تصور کودک و قصه های کودکانه نه تنها مکار و حيله گر نیست بلکه خود را دارای صفات مثبتی چون فعال و کوشا بودن و زرنگی، می داند و اینگونه خود را به کودک معرفی می کند. رحماندوست با ترفند آشنایی زدایی و آرایه تشخیص، علاوه بر این که کودک را به وجد می آورد، قوه ی تخیل او را تقویت می کند و در انتقال پیام تعلیمی، به صورت تاثیر گذار عمل کرده است و می گوید: روباه آهی کشید و گفت آرام: من نیستم روباه مکار/ من نیز مانند تو هستم/

از حيله و نيرنگ بيزار/ در قصه های كودكانه/ من پرفريم، يا دورنگم/ با اين كه زوري در تنم نيس/ بسيار فعالم، زرنغم/ اما جدا از داستان ها/ معمولی ام چون موش و خرگوش/ ای كاش مردم می كردند/ آن داستان ها را فراموش/ روباه زيبا پا شد از جا/ كم كم روان شد سوی لانه/ حيوان غمگين، غصه ها داشت/ از قصه های كودكانه ( ١٣٧٢ هـ.ش، ص ٨-٩).

## ٢/٥. اهداف تربیتی مبتنی بر آموزه‌های دینی

ادبیات اسلامی كودكان همان ادبیات كودكان است اما با دیدگاه اسلامی، به معنای دیدگاه جامع اسلامی كه به سوی كودكان مسلمان هدایت شده و حامل پیام جهانی اسلام به تمام كودكان جهان است. «این ادبیات يك تصویر کلی از زندگی يك مسلمان واقعی، اخلاق عالی، خصوصیات، آداب و رسوم و سنت‌های پسندیده اسلامی را ارائه می‌دهد.» ( عبدالفتاح، ٢٠٠٠م، ص ١٠٧) از آنجا كه هر دو شاعر مسلمان هستند بدیهی است كه آموزه‌های آن‌ها با مفاهیم اسلامی پیوند عمیقی داشته باشد. ابراهیم ابوطالب مفاهیم دینی كه كودك بیشتر در محیط پیرامون خود مانند محیط خانواده آن‌ها را دیده برای آموزش به كودكان برگزیده است. او با در نظر گرفتن رده‌ی سنی گروه مخاطب خود از مفاهیم سخت‌تر مانند خمس و زكات و سایر احكام جزئی‌تر دین اجتناب كرده و آسان‌ترین و آشناترین مفاهیم را برای كودك برگزیده است. مفاهیمی مانند قرآن كريم، نماز، ماه مبارك رمضان، روز جمعه، احترام و محبت نسبت به پدر و مادر از جمله موضوعاتی است كه شاعر در قالب شعر ترسیم كرده است. اولین مفهومی كه فطرت خدا جوی كودك در پی آن است شناخت خداوند است. در قطعۀ «ربنا الرحمن» كودکی به نام «أصیل» با مشاهده کثرت مخلوقات و نعمات بی شمار الهی در پی یافتن سر منشأ هستی است. او از پدر خود می‌پرسد: چه کسی این موجودات مختلف را آفریده است؟ چه کسی روزی آن‌ها را می‌دهد و امورشان را تدبیر می‌کند. پدر در پاسخ كودك به

وجود خداوند بزرگ که خالق همهٔ عجائب است اشاره می‌کند. کاربرد صیغه جمع در ابتدای سرود در واژه‌ی «ندعوک» بر همگانی و مشترک بودن یک امر یا اموری دلالت می‌کند، به گونه‌ای که کودکان یک صدا با انسجام و وحدت، یکدیگر را به انجام آن امور مشترک فرا می‌خوانند تا بدان ملحق شوند و از این طریق از محور فردیت خارج شده و اجتماعی شدن را می‌آموزند.

اللَّهُ يَا رَحْمَنُ/ يَا خَالِقَ الْإِنْسَانِ/ يَا مَالِكَ الْأَكْوَانِ/ يَا مُنْزِلَ الْقُرْآنِ/ نَدْعُوكَ بِالرَّجَاءِ/  
فِي الصَّبِيِّ وَالرَّخَاءِ/ فِي الصَّبْحِ وَالْمَسَاءِ/ مَا أَجْمَلَ الدُّعَاءَ/ قَرَّبْنَا الْكَرِيمَ/ الْمُنْشَى الْعَلِيمَ/  
الْوَاهِبِ الْحَكِيمَ/ الْغَافِرِ الرَّحِيمَ/ أَنْتَ الْقَرِيبُ مَنَّا/ وَمَا ابْتَعَدْتَ عَنَّا/ لَوْلَاكَ مَا وَجَدْنَا/  
لَوْلَاكَ مَا رُزِقْنَا/ وَهَبْتَنَا النِّعَمَ/ مَنَحْتَنَا وَكَمَّ/ عَطَاكَ وَالْكَرَمَ/ قَدْ صَمَّنَا وَعَمَّ/ هُدَاكَ لَا  
يُحَدُّ/ نِعْمَاكَ لَا تُعَدُّ/ نَدَاكَ لَا يُرَدُّ/ وَالْجَدُّ مِنْكَ الْجَدُّ. (همان، ص ۸۹)

ای خدا! ای مهربان/ ای آفریننده انسان/ ای مالک جهانیان/ ای فروفرستنده قرآن/ تو را با امید می‌خوانیم/ در سختی و آسودگی/ در صبح و شام/ چه زیباست دعا/ خدای ما بخشنده است/ آفریننده دانا/ بخشنده و فرزانه است/ خدایا تو به ما نزدیکی/ از ما دور نگشته‌ای/ اگر نبودی ما نبودیم/ ای نبودی ما از روزی بهره مند نمی‌گشتیم/ تو نعمت‌ها را به ما بخشیدی/ چه بسیار است هدایا و بخشش تو/ که ما و همگان را فرا گرفته است/ هدایت تو بی اندازه است/ و نعمت‌هایت به شماره نمی‌آید/ بخشش تو پس زدن نیست/ و اقبال نیکو از سمت توست.

وی همچنین در سرودی به نام «حیّ علی الصلاة» به کودک می‌آموزد که این ندای خداوند است و باید به آن به موقع پاسخ داده شود. ابوطالب کودک را به رها کردن هر کار دیگری در وقت نماز تشویق می‌کند و نماز را بار یافتن به پیشگاه خداوندی بخشنده معرفی می‌نماید:

حَيِّ عَلَى الصَّلَاةِ/ حَيِّ عَلَى الصَّلَاةِ / إِذَا سَمِعْتَهَا/ فُكِّمْ إِلَى الصَّلَاةِ/ لَا تَنْشَغِلْ وَلَا/  
بِأَيِّ شَاغِلَةٍ/ لِأَنَّهَا الصَّلَاةُ/ بِاللَّهِ وَاصِلَةٌ/ تُقَابِلُ الْكَرِيمَ/ وَرَبُّكَ الرَّحِيمَ/ يُعْطِيكَ مَا تُرِيدُ/ مِنْ  
جُودِهِ الْعَظِيمِ. (همان، ص ۸۸)

بشتابید به سوی نماز/بشتابید به سوی نماز/آنگاه که ندای آن را شنیدی/برخیز  
برای نماز/هرگز به هیچ چیز دیگری مشغول مشو/زیرا نماز حلقه وصل میان تو و  
خداست/تو در نماز با خداوند بخشنده رو در رو می شوی/با خداوند بخشد و  
مهربان/آنچه می خواهی را/ از بخشش بسیار خود به تو می دهد.

مصطفی رحماندوست، اشعار و مجموعه شعرهای بسیاری را به مفهوم  
خودشناسی و خداشناسی، دعا وستایش پروردگار، ذکر نعمات الهی و انجام احکام  
شرعی و واجبات و ... اختصاص داده است. او یک مجموعه شعر با عنوان «به نام  
دوستم خدا» با اشعاری متنوع و بسیاری مانند خداوند لبخند، خداوند راز، خداوند  
آسمان و زمین، خداوند شادی، خداوند باران، خداوند غنچه، خداوند فصل و ...  
تالیف کرده است و پدیده‌های طبیعی گوناگونی را در هر یک از اشعار بیان می کند  
و توجه کودک را به گوناگونی و فراوانی این نعمات و شکر بسیار خداوند متعال  
جلب می کند و در شعر خداوند فصل می گوید:

به نام خدای بهار/ خدای گل و سبزه زار/ خداوند گرمای سخت/ گل و میوه، رود  
و درخت/خداوند پاییز زرد/ انار و به و باد سرد/ خدای زمستان پاک/ و هر دانه ای  
زیر خاک/ به نام خدای زمین/ خدای هم آن و هم این (همان، ص ۱۳-۱۴).

رحماندوست، در شعر "مناجات" از زبان کودک، به دعا و مناجات می پردازد و  
از خداوند طلب یاری و هدایت به راه راست می کند و علاوه بر بیان جلوه های  
طبیعی و نعمت های الهی، وجود خود را نشانه ی خدا می داند و به همین جهت  
با تلاش و کوشش در شناخت خود و خدای خویش گام بر می دارد.

ای خدا! ای خدای پاک و بزرگ/ ای خدا! ای خدای بی همتا/ ای خداوند آسمان  
و زمین/ ای خداوند دره و دریا/ جسم من، قلب و جان من، هستی من/ اثری  
روشن از خدایی توست/ از تو دارد توان جنبیدن/ پر و بال پرندگان قشنگ/ مرغ  
و مرغابی و کبوترها/ همه جا گونه گونه رنگارنگ/ من فقط بنده و مطیع تو ام  
(همان، ۱۳۷۶ ه.ش، ص ۲۸)

### ۵/۳. احترام به پدر و مادر

یکی از مهم ترین مسائل و آموزه‌های دینی و اخلاقی احترام به پدر و مادر است. ابوطالب مانند بسیاری از آموزه‌های دیگر محبت و زحمات پدر و مادر را به کودک یادآوری می‌کند تا از این طریق لزوم تقدیر و تشکر و احترام به والدین را به کودک بیاموزد. در شعر «أُمِّي الْغَالِيَةُ» شاعر مادر هدیه ای الهی می‌داند که بهشت زیر پای اوست. مهر و محبت مادر را توصیف می‌کند و از کودکان می‌خواهد همه با هم این شعر را بخوانند:

أُمِّي: أَحِبُّهَا/أُمِّي: أَحِبُّهَا /لَأَنَّهَا الْحَنَانُ/أَنَا أَحِبُّهَا/أُمِّي هِيَ النَّقَاءُ/وَالْحَبِّ وَالصَّفَاءُ/  
 أُمِّي هِيَ الضِّيَاءُ/لِعَيْشِنَا دَوَاءَ/تَحْنُو عَلَي الصَّغِيرِ/تَرَأْفُ بِالْكَبِيرِ/فِي بَيْتِنَا الصَّغِيرِ/تَقُومُ  
 بِالتَّدْبِيرِ/ إِذَا تَبَسَّمتْ/أَنَارَتِ الْوُجُودَ/وَإِنْ تَكَلَّمَتْ/فَقُولُهَا وَدُودُ/أُمِّي هِيَ الْحَيَاةُ/  
 وَحُبُّهَا نَجَاةُ/وَرُبُّنَا إِلَهُ/رِضَاهَا مِنْ رِضَاهِ. (همان، ص ۹۶)

مادرم را دوست دارم/مادرم را دوست دارم/زیرا او منبع مهربانی است/من او را دوست دارم/او مظهر پاکی است/او مظهر عشق و صفاست/مادرم روشنایی است/درمان دردهای زندگانی مان است/با کودکان مهربان است/با پیران مهربان/خانه کوچک ما را مادرم اداره می‌کند/هنگامی که می‌خندد/هستی را نورانی می‌کند/و هنگامی که صحبت می‌کند/سخنانش پر مهر است/مادرم زندگانی است/عشق او نجات بخش است/و رضایت او موجب رضایت پرودگار است.

شاعر با اسلوب معرفه آوردن خبر در عبارت (انها الحنان) معنای حصر و اختصاص را پررنگ‌تر نموده است زیرا اسم ذات (ضمیر ها) مبتدا و الحنان خبر به شکل معرفه به کار بسته است تا بدین صورت مسندالیه را در مسند حصر نماید و مادر را برترین سبب محبت معرفی نماید. در عبارت (أُمِّي هِيَ النَّقَاءُ) علاوه بر اسمیه بودن جمله، ضمیر فصل و نیز مصدر ذکر شدن خبر در کنار هم تأکید را چند برابر نموده است و مادر را سرمنشأ پاکی دانسته است.

شاعر در شعر «أَبِي الْحَنُونِ»، پدری را توصیف می‌کند که بعد از پایان یک روز

کاری سخت خسته به خانه برگشته است و فرزندانش با این شعر به استقبال او رفتند:

أبي أبي.. أَحْبَبُهُ/وَكَمْ يَطِيبُ قُرْبَهُ/فَهُوَ الْأَمَانُ وَالِدِعةَ/حَوَى الْحَنَانَ أَجْمَعَهُ/هُوَ الْمِثَالُ  
قُدْوَتِي/وَفِي النَّضَالِ أُسْوَتِي/يَضْمِنَا بِعَطْفِهِ/يُغْمِرُنَا بِلُطْفِهِ/ أَعْمَالُهُ لِأَجْلِنَا/أَقْوَالُهُ دَلِيلُنَا/  
نُحِبُّهُ وَنَرْهَبُهُ/نُحِبُّهُ وَنَطْلُبُهُ/أَبِي أَبِي مَا أَعْظَمَكَ/مَا أَجْمَلَكَ... مَا أَكْرَمَكَ/اللَّهُ يُعْطِيكَ  
الثَّوَابَ/يَكْفِيكَ فِي الْأُخْرَى الْحِسَابَ/يُجْزِيكَ عَنَّا كُلَّ خَيْرٍ/فَلَا تَرَى فِي الْعَيْشِ ضَيْرٍ.  
(همان، ص ۱۰۳)

پدرم را پدرم را دوست می‌دارم/کنار او بودن چه لذت بخش است/او مایه امنیت و آرامش است/تمام مهربانی را در خود جای داده است/او الگوی من است/و در مبارزه سرمشق است/او با مهربانی ما را در آغوش می‌گیرد/و با الطافش در بر می‌گیرد/ به خاطر ما کار می‌کند/سخنانش راهنمای ما است/او را دوست داشته و گرمی اش می‌داریم/پاسخ او را می‌دهیم و از او درخواست می‌کنیم/پدرم پدرم چه بزرگواری!/چه زیبا و چه بخشنده‌ای!/خداوند پاداش می‌دهد/و در روز حساب تو را از حساب رسی بی‌نیاز می‌کند/و از طرف ما همه خیر و خوبی‌ها را به تو به عنوان پاداش می‌دهد/و دیگر در زندگی‌ات هیچ ضرری نخواهی دید.

پدر مایه امنیت و آسایش خانه و الگوی فرزندان در سرسختی و دفاع است. او برای تأمین زندگی سختی‌های کار را تحمل می‌کند. شاعر در توصیف پدر ابهت و عظمت شخصیت او را ترسیم می‌کند.

رحماندوست نیز، در شعر «آسمان هم خندید» نیکی و احترام کودک به والدین را همراه با اطاعت و فرمان برداری از آن‌ها نشان می‌دهد.

پدرم گفت: برو، گفتم: چشم/ مادرم گفت: بیا، گفتم: چشم/ هر چه گفتند به من، با لبخند/ گوش کردم همه را گفتم چشم/ مادرم شاد شد از رفتارم/ خنده بر روی پدر آرودم/ با پدر و مادر خود در هر حال/ تا توانستم، نیکی کردم/ پدرم گفت: تو خوبی پسرم/ مادرم گفت: از او بهتر نیست/ آسمان خنده بر رویم زد و

گفت: پسرم از تو خدا هم راضی است (همان، ۱۳۷۹ ه.ش، ص ۵۱)

کودک در این شعر با نیکی و احترام به پدر و مادر خود، آنها را شاد و خشنود ساخته است و هنگامی که شاعر با جان‌بخشی به آسمان، خطاب به کودک به خاطر رفتار نیک او می‌گوید که خداوند از او نیز راضی است، رضایت خداوند متعال و خنده آسمان و رضایت پدر و مادر، جلوه معنوی زیبایی را به این سروده بخشیده است چرا که یادآور مضمون آیه شریفه (وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا) (اسراء: ۳۲) است.

#### ۴/۵. اخلاق خوب و رعایت ادب

ادبیات کودک با توجه به گرایش تعلیمی خود، آکنده از مضامین آموزشی، اخلاقی و تربیتی برای کودکان است. کودک نسبت به ارزش‌های اخلاقی برتر آگاهی و بینش پیدا می‌کند و در نتیجه به ارزش‌های اخلاقی نیک در تعامل با خود، دیگران، طبیعت و حیوانات جامعه عمل می‌پوشاند.

هنگامی که جسم کودک رو به رشد و تکامل دارد روح او نیز باید در مسیر تکامل و تعالی حرکت کند و همزمان با توجه به مسائل بهداشتی و امنیتی کودک باید به مسائل عاطفی و معنوی او نیز اهمیت داد. کودک باید به پاکیزگی صداقت، ادب، مسئولیت‌پذیری، مهربانی و عطف، عشق به خیرخواهی و ده‌ها ویژگی‌ها و صفات نیک برتر دیگر، عادت داده شود زیرا سنگ بنای رفتارهای دوران بزرگسالی در کودکی نهاده می‌شود و اگر شخصی در دوران کودکی رفتارهای صحیح را فراموش کرده باشد تغییر او بسیار دشوار است. بنابراین یکی از اهداف شعر تعلیمی کودکان آموزش صفات نیک و بد را بشناسد و به داشتن اخلاق نیک تشویق شود. تنها سرودی که در دیوان ابوطالب با این محوریت یافت می‌شود، سرود «الطفل المهذب» می‌باشد که در آن ویژگی‌های یک کودک نمونه و با ادب را بر می‌شمارد:

أنا طفلٌ حلوٌ ومُؤدَّبٌ/ونظیفٌ دوماً تلقانی/وكلامی عذبٌ ومُهَدَّبٌ/أنا لا أشتُمُّ: یا

إخواني/لا أكذب أبداً لا أكذب/في قولي أتحرى الصدق/قول الصدق حديثٌ مُعجَبٌ/  
يُصَحِّبُنِي وَأَقُولُ الْحَقَّ/أَحْتَرِّمُ الْإِنْسَانَ الْأَكْبَرَ/أَنَا أَرْفِقُ بِالطِّفْلِ الْأَصْغَرِ/وَحَدِيثِي عَذْبٌ  
كَالسُّكَّرِ/كُلُّ النَّاسِ بِصَدْقِي تَفْخَرُ/قَوْلُ الْكِذْبِ لَدَيَّ رَذِيلَةٌ/وَالصَّدْقُ نَجَاةٌ وَفَضِيلَةٌ/  
وَالْأَخْلَاقُ لَدَيَّ أَصِيلَةٌ/وَصِفَاتِي بِالصَّدْقِ جَمِيلَةٌ/أَنَا طِفْلٌ هَذَبَنِي دِينِي/أَنَا طِفْلٌ مَحْبُوبٌ  
مُسْلِمٌ/وَأَبِي قَدْ أَحْسَنَ تَرْبِيَّتِي/غَدَّانِي بِصِفَاتِ الْمُسْلِمِ/شُكْرًا أُمِّي شُكْرًا لِأَبِي/شُكْرًا لَكُمْ  
شُكْرًا لَكُمْ/حُبُّكُمْ نُورٌ فِي دَرْبِي/قَسَمًا لَنْ أُنْسِيَ فَضْلَكُمْ. (همان، ص ٢٤١)

من کودکی شیرین و با ادب هستم/همیشه مرا تمیز می بینی /حرف هایم  
شیرین و مؤدبانه است/دوستانم! من به کسی ناسزا نمی گویم/هرگز دروغ نمی گویم/  
در حرف هایم همیشه راست گویی را می جویم/سخن راست سخن دل نشینی است/  
همراه من است و من حقیقت را می گویم/من به بزرگتر خود احترام می گذارم/من  
به کودک خردسال مهر می ورزم/و حرف هایم مثل شکر شیرین است/همه مردم به  
سخنان من افتخار می کنند/سخن دروغ نزد من یک رذیلت اخلاقی است/و راست  
گویی موجب نجات و فضیلت است/اخلاق من اصیل است/صفات اخلاقی من با  
راست گویی زیبا است/من کودکی هستم که دین اخلاقم را آراسته است/من کودکی  
محبوب و مسلمان هستم/پدرم مرا نیکو تربیت کرده است/با صفات یک مسلمان مرا  
پرورد/مادرم سپاس، پدرم سپاس/از شما سپاس گذارم/عشق شما چراغ راه من است/  
سوگند می خورم که محبت شما را فراموش نخواهم کرد.

مصطفی رحماندوست در مجموعه شعری «گل لبخند و سلام» در سروده های  
«آینه و اخم»، «قهر و تنهایی»، «حرف های آبی»، سروده «مهربانی زیباست» از  
مجموعه شعری کوچه های آبی، سروده یک بازی خوب از مجموعه «نوشتن دوست  
دارم» و نیز شعر «خداوند لبخند» از مجموعه شعر «به نام دوستم خدا» به اهمیت  
دوستی و مهربانی در تعامل با دیگران، کمک به دوست، خنده رویی بدون قهر و  
اخم اشاره می کند. برای نمونه در شعر یک بازی خوب، او نیز یک بازی دوستانه  
همراه با شادی و همیاری بدون مشاجره را برای کودک ترسیم می کند.

با هم بخندیم / چون وقت بازیست / امروز از ما / خوشحال تر کیست؟ / هر کس بگیرد / دست یکی را / با هم بسازیم / یک حلقه حالا / تو شاد، از او / او شاد، از من / من شاد از تو / دنیاست روشن به به چه خوب است / این بازی ما / شادیم و خندان / هاهاهاهها (همان، ۱۳۹۱، هـش، ص ۱۲-۱۳).

رحماندوست برخلاف «ابوطالب» که به صورت مستقیم مفهوم دوستی و مهربانی را به کودک نشان می‌دهد. در شعر «آینه واخم» کودک را در رابطه دوستی خود از مفاهیمی چون اخم، ترش رویی، دوست آزاری بر حذر می‌دارد. در این سروده از زبان یک کودک سخن می‌گوید که دوست خود را به محبت و دوستی دعوت می‌کند و از او می‌خواهد از اخم و ترش رویی دوری کند.

دوست دارم، دوستم باشی، ولی گاه گاهی سخت اخمو می شوی / تو چراغ روشن راه منی / پس چرا گاه گاه کم سو می شوی / اخم مثل غصه، مثل تیرگی است / اخم مثل رنج و بیماری بد است / کاش می شد مثل من باور کن / ترش رویی، دوست آزاری بد است / صورتت را دیده ای در آینه؟ / اخم، ناز صورتت را می خورد / هر که با تو مهربان و آشناست / بی گمان از دیدنت جا می خورد (همان، ۱۳۷۹، هـش، ص ۲۶).

مصطفی رحماندوست همچنین در شعر داستانی "لباس عید گنجشک" محبت و خوش اخلاقی را چاره ساز و گره گشای کارها بر می‌شمارد. کلماتی چون خنده، مهر، محبت و رحمت، دوستی، تلاش و پشتکار همگی از صفات پسندیده اخلاقی هستند که بر خلاف دعوا، مشاجره، غصه و گریه برای پیشبرد امور انسانی ضروری است. کارها به پیش نمی رود / نه اینجوری نمیشود / چاره کار محبت است / خنده و مهر و رحمت است / دعا و داد و غصه / اصلاً علاج کار نیست / چاره هیچ مشکلی / گریه زار زار نیست / خنده و دوستی و مهر / گره گشای کار است / چاره به جز محبت / تلاش و پشت کار است (همان، ۱۳۷۸، هـش، ص ۱۶).

## ٥/٥. اهداف آموزشی

بازی و سرگرمی جزء جدایی ناپذیر زندگی کودکان است و اگر مسائل آموزشی در قالب بازی و سرود و سرگرمی به آن‌ها ارائه شود بی شک این امر در سرعت و سهولت امر یادگیری مؤثر خواهد بود.

شیوه‌ای که شاعر برای آموزش عددها و شمارش یک تا ده انتخاب کرده است آموزش اعداد با یک ترانه محلی است. این ترانه محلی در یمن برای آموزش کودکان استفاده می‌شود:

قالت لَيْلى/عَدُّ العَشْرَةِ ١، ٢، ٣، ٤، ٥، ٦، ٧، ٨، ٩، ١٠/قالت لَيْلى/أحمد يعرف/  
يَعُدُّ العَشْرَةَ/قال:بَسِيطَةً/أقدر طَبَعًا/أعدُّ العَشْرَةَ/هَيَّا عَدِّي مَعَنَا وَغَنِّي/واحد، اثنان:  
(١، ٢)/زَهْرَةٌ وَهَمْرَةٌ/ثلاثة، أربعة: (٣، ٤)/نَجْمَةٌ وَقَمْرَةٌ/خَمْسَةٌ وَسِتَّة: (٥، ٦)/سَحَابَةٌ  
ومطرَةٌ/سَبْعَةٌ، ثَمَانِيَةٌ: (٨، ٧)/معزَةٌ وبقرَةٌ/تسعة، عشرة: (٩، ١٠)/حَصَوَةٌ وحجرَةٌ.../  
هَيَّا أختي/عَدِّي العشرة/هَيَّا نُغَنِّي/غَنِّوا مَعَنَا: واحد، اثنان: (١، ٢)/ثلاثة، أربعة: (٣، ٤)  
(همان، ص ٢٢٦).

لیلی گفت/تا ده بشمار/لیلی گفت/احمد می‌تواند تا ده بشمارد/گفت: بله خیلی آسان است/حتما می‌توانم/من تا ده می‌شمارم/سریع بیا با ما بشمار و آواز بخوان/یک، دو/یک گل و یک میوه/سه، چهار:/یک ستاره و یک ماه/پنج و شش/یک ابر و یک قطره باران/هفت و هشت/یک بز و یک گاو/نه و ده/شن و یک سنگ/خواهرم سریع تا ده بشمار/سریع بیا تا آواز بخوانیم/با ما بخوانید: یک و دو /سه و چهار.

ابوطالب در این شعر با استفاده از ضمیر جمع (هیا عدی معنا) کودک را در جمع دوستان خود قرار داده و یادگیری را برای او امری لذت بخش در جمع دوستان ترسیم می‌کند. او برای شمار اعداد از چیزهایی که در اطراف کودک است و آن را با چشم خود می‌بیند استفاده می‌کند؛ «زیرا حواس کودک ابزار شناخت و رشد او هستند و دریچه‌های جدیدی را پیش روی او می‌گشاید. براین اساس نباید از محیط

پیرامونی او چندان دور باشد و اشعار باید در سطح درک او باشند و سطح رشد زبانی و عقلی را رعایت کنند.» (عبد الفتاح، ۲۰۰۰م، ۵۳-۵۴) ابوطالب بار دیگر از کودکان می‌خواهد شمارش اعداد را تکرار کنند زیرا تکرار یکی از مهم‌ترین ابزار یادگیری و به ذهن سپردن مطالب است.

ابوطالب در شعر «زمین سیاره زیبای ما» کره زمین را به عنوان سیاره ای کروی شکل که عناصر زندگی مانند آب، هوا، گیاهان و نیروی جاذبه در آن وجود دارد معرفی می‌کند. ابوطالب در قالب این سرود به برخی از نشانه‌های این سیاره مانند چرخش دور خود، چرخش دور خورشید، نظام مندی و.. اشاره می‌کند:

الأرضُ الأرضُ الأرضُ / الأرضُ الأرضُ الأرضُ / فيها الحياةُ دائمةٌ / في دقةٍ ملاءمةٍ / في  
الفلک تبو هائمةٌ / وفي الفضاء عائمةٌ / تدور حول نفسها / تطوف حول شمسها / ولا يعودُ  
أمسها / وبالنظام قائمة (همان، ص ۱۱۴).

زمین زمین زمین / زمین زمین زمین / در آن زندگی جاوید است / در ظرافتی  
منسجم / زمین در منظومه حیران به نظر می‌رسد / در فضا شناور است / زمین دور  
خود می‌چرخد / دور خورشید خود می‌گردد / به دیروز باز نمی‌گردد / و براساس یک  
نظم استوار است.

مصطفی رحماندوست، نیز به صورت غیر مستقیم در مجموعه شعری  
«۲پر۲پر۴پر» با شمارش تعداد پرستوهای زیبا بر روی درخت، به آموزش اعداد  
می‌پردازد.

اتل مثل توتوله / ده تا پرستو داریم / دانه به دانه حالا / آن‌ها را می‌شماریم /  
یکی که خسته تر بود / از روی شاخه افتاد / خدا کند نیفتد / به دست مرد صیاد / اتل  
مثل توتوله / نه تا پرستو مانده / هر شاخه ای، یکی را / به روی خود نشانده / یکی  
از آن میانه / گرسنه بود و پر زد / برای دانه خوردن / به دشت و لانه سر زد / اتل مثل  
توتوله / نه ۱۰ تا و نه ۹ تا / ۸ پرستو مانده / روی درخت زیبا  
(همان، ۱۳۷۷، ه.ش، ص ۲۵-۳).

بدین ترتیب هر دو شاعر با روش غیر مستقیم و بدون آنکه ملال آور و خسته کننده باشد، به آموزش اعداد به کودکان با جمع و تفریق پرندگان، پرداخته‌اند.

### ٦/٥. آشنایی با انواع مشاغل

یکی از زمینه‌های کشف استعداد و علایق کودکان و برنامه ریزی برای انتخاب‌های سازنده آینده کودکان، آشنا کردن آن‌ها با انواع کار و حرفه‌های گوناگون است. با آموزش اشعار کودکانه در مورد مشاغل به کودکان آن‌ها با انواع مشاغل آشنا شده و بدین وسیله والدین از تمایلات فرزند خود به شغل مورد علاقه آینده او مطلع می‌شوند. ابراهیم ابوطالب همانطور که در همه مسائل آموزشی سعی در انتخاب کلمات و سوژه‌های نزدیک به محیط پیرامون کودک دارد، برای آشنا کردن کودکان با انواع مختلف مشاغل ابوطالب کتابچه شعری به نام «أنا أحب عملی» را با زبانی شیوا و ساده به این موضوع اختصاص داده است و سیزده کار از جمله: رفتگر، کشاورز، راننده، معلم، پزشک و... را برای کودکان معرفی کرده است. او ضمن معرفی مشاغل رسمی و بومی به اهمیت تلاش و کوشش جهت کسب روزی حلال، کوچک نشمردن مشاغلی همچون رفتگری و کارگری، احترام به خدمات به پلیس و نیروی انتظامی که برای آسایش ما زحمت می‌کشند و تقدیر از صاحبان سایر مشاغل می‌پردازد. اشعاری مانند «السائق»، «المزارع»، «المیکانیکی»، «الطیار»، «النجار»، «الضابط» ضمن آشنا کردن کودک با مشاغل رسمی و معروف در جامعه او را با مشاغل و حرفه‌های دیگر نیز مرتبط می‌سازد تا علاقه و افق دید کودک منحصر در چند شغل شناخته شده نباشد.

یکی از مشاغلی که ابوطالب برای کودکان معرفی نموده است، شغل پلیس است که در قالب شعر، زحمات فراوان پلیس را به کودک یادآور شده و عشق او را به وطن و هم وطنان خود به تصویر می‌کشد. پلیس کسی است که در راه امنیت کشور جان خود را بر کف می‌نهد و برای کودکان و دیگران آسایش و آرامش به ارمغان می‌آورد:

أنا الذي سَأرفَعُ البِلادِ/ وأحمي اللّواء والأمجادا /مُدافِعا وَحامِياً حِماها/مُقَدِّماً  
 في حُبِّها اجتهادا/ بَرّاً وَجَوّاً تَلقني وِبحرا /لَيْلاً نَهَراً حارِساً وَفَخرا/أهدِي بِلادي في  
 الوجودِ نَصراً/يطيب لي في حُبِّها الإنشادا/أرجو لَكَ الرِّخاءَ والسَّلَما/يا مَوطِني يا قَلعة  
 النَّشامى/نراكَ دَوماً عالِياً هِماما/كما نرى الآباءَ والأجدادا/لِمَوطِني أَقَدِّمُ الوِلاءَ/أَمَنَحُه  
 الأرواحَ والدِّماءَ/فَهُوَ الَّذي يَسْتوجِبُ الوِفاءَ/بِنا يَزِيدُ مَوطِني اعتمادا (ابوطالب،  
 ۲۰۱۳م، ص ۱۱).

من هستم که پرچم کشور را بر خواهم افراشت/و از پرچم و شکوه این کشور  
 دفاع خواهم کرد/مدافع و حامی حریم وطن هستم/در عشق وطن تلاش خود را  
 می کنم/در خشکی و هوا و دریا مرا می بینی/شب و روز با افتخار نگیهان وطن  
 هستم/من در تمام هستی به کشورم کمک می کنم/برایم لذت بخش است که در  
 عشق او سرود بخوانم/ای وطن! برایت آسایش و امنیت آرزو می کنم/ای میهنم! ای  
 دژ پهلوانان/همواره تو را سر بلند و پرشکوه می بینیم/همانگونه که پدران و نیاکان  
 خود را می بینیم/من دوستی خود را به کشورم تقدیم می کنم/روح و جان و خونم  
 را به او می بخشم/وطن است که مستحق وفاداری است/تکیه وطنم به ما بیشتر  
 می شود.

رحماندوست در شعر «تو کوچه و خیابون» با زبان ساده و عامیانه به معرفی  
 شغل پلیس وسختی های این شغل می پردازد. او نیز در اشعار خود به بزرگداشت  
 ارزش کار و تلاش، اهتمام می ورزد و برای نمونه در شعر شاد و پرتلاش علاوه بر بیان  
 اهمیت امید، شادی، کار و تلاش، عنوان شغل هایی را نیز بیان می کند:  
 باز هم شد سحر/شب شده در به در/ماهتاب پرزده/ آفتاب سرزده/ آبی است  
 آسمان آبی ای مهربان/گوسفند می چرد/شاپرک می پرد/درتلاش کارگر/کار او  
 پرثمر/بزرگر گرم کار/ می کشد انتظار/پس توهم شاد باش/پر امید پر تلاش (همان،  
 ۱۳۶۷ش، ص ۱۶).

شغل دیگری که توجه «ابوطالب» را به خود جلب کرده است و با ارائه تشبیهات

حسی سعی در آسان سازی فهم کودک داشته است شغل پرستاری است. ابوطالب در شعر «الممرضة» تصویر زن پرستاری را ترسیم می‌کند که نه تنها با دقت و منظم به امور بیماران رسیدگی می‌کند بلکه خوش اخلاقی او مایه بهبودی سریع‌تر بیماران می‌شود:

أنا أَدَعَى مُمْرَضَةً / وَأَعْمَلُ فِي عِلَاجِ النَّاسِ / أَطَبِّبُهُمْ بِإِخْلَاصٍ / بِصِدْقٍ وَوَالِإِحْسَاسِ / دَوَائِي  
بَسْمَةَ حُلُوةٍ / أَوْزَعُهَا عَلَى الْمَرَضَى / أَزِيلُ الدَّاءَ وَالْقَسْوَةَ / وَأَمْنَعُ عَنْهُمْ الْفَوْضَى / مَوَاعِيدُ  
الدَّوَاءِ لَهُمْ / مِمِّقْدَارٍ وَمِمْقِيَاسٍ / أَلْبِي كُلَّ حَاجَتِهِمْ / أَقُولُ لَهُمْ: عَلَى رَأْسِي / أَنَا كَمَلَانِكَةَ  
الرَّحْمَةِ / أَبْتُ الْخَيْرَ وَالنَّعْمَةَ / لَعَلَّ عِلَاجَ مُحْتَاجٍ / يَكُونُ دَوَاؤُهُ كَلِمَةً (همان، ص ٥).

نام من پرستار است/من برای درمان مردم کار می‌کنم/با اخلاص آن‌ها را درمان می‌کنم/با صداقت و محبت/داروی من یک لبخند شیرین است/که بین بیماران تقسیم می‌کنم/من درد و سختی را برطرف می‌کنم/و مانع شلوغی و بی‌نظمی می‌شوم/وقت داروها را با مقدار معین و اندازه به آن‌ها می‌گویم/همه نیازهایشان را برطرف می‌کنم/به آن‌ها می‌گویم: به روی چشم/من فرشته رحمتم /نیکی و نعمت را در همه جا می‌گسترانم/شاید درمان یک انسان نیازمند یک کلمه باشد. رحماندوست نیز در شعر «پرستار» کودک را با این شغل آشنا می‌کند اما تشابه حسی که او استفاده کرده و طرح قصه وار این شعر و نیز وارد کردن کودک به عنوان شخصیتی از شخصیت‌های این داستان نه تنها این شغل را بهتر معرفی نموده است بلکه نوعی مهر و محبت در وجود کودک نسبت به پرستاران می‌آفریند:

دیشب شب بدی بود/بسیار بدتر از بد/زیرا که تب به جانم/یک تیر آتشین زد/  
می سوخت مثل کوره/تا صبح پیکر من/دستی نبود اما/از لطف بر سر من/تب بود  
و درد هم بود/مادر نبود اما/تا با محبت خود/تسکین دهد دم را/اما نه یک نفر  
بود/در آن سیاهی شب/وقتی که او می‌آمد/می رفت از تنم تب/از کوشش پرستار/  
شب شد چو روز روشن/امروز خوب خوبم/تب رفته از تن من (همان، ص ٢٥).

## ۷/۵. آموزش نکات بهداشتی

کودکان ذاتا کنجکاو و بازیگوش هستند، آن‌ها تا چیزی را نبینند آن را واقعی نمی‌دانند به همین دلیل رفتار بهداشتی کودک با رفتار بهداشتی بزرگسالان متفاوت است. از این روی اهمیت دادن به آموزش دستورالعمل‌ها و نکات بهداشتی از قبیل نظافت و رعایت بهداشت فردی، تغذیه، ورزش و... از اهمیت قابل توجهی در حوزه سلامت جسمانی کودک برخوردار است. ابراهیم ابوطالب در دیوان «أغارید و أناشید للبراءة» در دو سروده «دندان‌های سفید» و «پاکیزگی» کودک را به رعایت نکات بهداشتی فردی و اجتماعی دعوت می‌کند:

إِنَّ أَسْنَانِي قَوِيَّةٌ دَائِمًا تَبْدُو جَلِيَّةً / شَكَلُهَا بِالْحُسْنِ يَزْهَوُ / وَهِيَ بِيَضَاءِ نَقِيَّةٍ / أَيُّهَا  
 الْمِسْوَاكُ شُكْرًا / أَيُّهَا الْمَعْجُونُ مَرَحَى / أَنْتَمَا أَحَلَى دَوَاءٍ / فِي فَمِي لَيْلًا وَصَبْحًا / بِكُمَا  
 الْأَسْنَانُ تَغْدُو / فِي جَمَالٍ وَنَقَاءٍ / وَمِنَ الْأَوْسَاخِ تَصْفُو / لَيْسَ فِيهَا أَيُّ دَاءٍ / يَا أَحْبَابِي!  
 اِسْمَعُونِي / وَخُذُوا عَنِّي نَصِيحَةً / نَظَّفُوا الْأَسْنَانَ هَيَّا / كَيْ تُرَى دَوْمًا صَاحِبَةَ / هَذِهِ الْأَسْنَانَ  
 نِعْمَةً / زَانَهَا اللَّهُ بِبَسْمَةِ / فِي فَمِي تَبْدُو لَطِيفَةً / كُلُّمَا كَانَتْ نَظِيفَةً (همان، ص ۲۳۷).

دندان‌های من قوی است/همیشه برق می‌زند/شکل دندان‌هایم از زیبایی به خود می‌بالد/سفید و تمیز است/آهای مسواک تشکر/آهای خمیر دندان درود بر تو/شما بهترین دارو هستید/صبح و شب در دهانم/دندان‌هایم با شما /در زیبایی و تمیزی است/از کثیفی‌ها پاک می‌شود/و هیچ دردی در آن نیست/ای دوستانم! بشنوید/و نصیحت را از من بشنوید/زود باشید دندان‌ها را تمیز کنید/تا همیشه سالم باشد/این دندان‌ها نعمت است/که خدا با لبخند آن‌ها را آراسته است/در دهانم لطیف و تمیز به نظر می‌رسد/هرگاه پاک و تمیز باشد.

شاعر مسواک و خمیر دندان را مخاطب قرار می‌دهد و با استفاده از جان بخشی به آن‌ها نوعی دوستی میان لوازم بهداشتی و کودک ایجاد می‌کند. در شعر «پاکیزگی» شاعر علاوه بر پرداختن به موضوع بهداشت فردی کودک را به رعایت بهداشت اجتماعی نیز دعوت می‌کند. در میان نهادهای مختلفی که می‌توانند در هدایت رفتار

کودکان تأثیر داشته باشند مدرسه نقش پررنگی ایفا می‌کند. مدرسه خانه دوم کودک است و در تکوین شخصیت و افکار کودک، آموزش رفتار صحیح به شکل مستقیم مؤثر است. مدرسه بعد از خانواده دومین نهاد تربیتی کودک است زیرا مدت کودک مدت زمان زیادی را در آن سپری می‌کند و در محیط مدرسه دوست و همراه خود را انتخاب می‌کند. تقلید از هم سن و سالان و قرار گرفتن در جمع آن‌ها یادگیری را برای کودک لذت بخش‌تر و قابل قبول‌تر می‌نماید. لذا شاعر سرود را از زبان کودک در مدرسه و به شکل دسته جمعی آورده است:

هَيَّا بِنَا نُغَيِّي/ لِبَيْتَةِ نَظِيفَةٍ/ نَشْدُو بِهَا، وَنَجْنِي/ أَنْسَامَهَا اللَّطِيفَةَ (همان، ص ۲۳۹).  
زود باشید ای دوستان بیایید آواز بخوانیم/ برای محیط تمیز/ به آن افتخار کنیم و  
بچینیم/ نسیم لطیفش را.

کودکان ابتدا به داشتن محیط زیست تمیز می‌بالند. سپس هر کدام به بخشی از موضوع پاکیزگی می‌پردازد و شعر می‌خواند. مثلاً ابتدا یک پسر بچه از آن‌ها به رعایت بهداشت در خوراک و پوشاک، منظم و مرتب و تمیز بودن ظاهرش در میان خانواده می‌پردازد:

أَنَا النَّظِيفُ دَوْمًا/ فِي مَنزِلِي وَأَهْلِي/ وَلَنْ أَمَلَّ يَوْمًا/ عَنْ صُحْبَةِ النَّظَافَةِ/ فِي عَيْشَتِي  
وَأَكْلِي/ وَمَلْبَسِي وَشَكْلِي/ وَمَنْ أَرَادَ مِثْلِي/ عَلَيْهِ بِالنِّظَافَةِ (همان، ص ۲۳۷).

من همیشه تمیزم/ در خانه و بین خانواده/ هیچ وقت خسته نمی‌شوم/ از دوستی  
با تمیزی/ در زندگی و خورد و خوراکم/ در پوشش و ظاهرم همیشه تمیزم/ هر کس  
می‌خواهد مثل من باشد/ باید تمیز باشد.

بعد از میان گروه سرود دخترکی شعر را ادامه می‌دهد، شاعر برای حفاظت از محیط زیست کودکان را دوستان محیط زیست معرفی می‌کند که با رعایت نظافت به محیط اطراف خود آسیب نمی‌زنند:

أَمَّا أَنَا فَايُّ/ نَظِيفَةٌ أُنِيقَةٌ/ كَثِيرَةُ التَّائِي/ لِبَيْتَتِي صَدِيقَةٌ/ فِي مَأْكَلِي وَشُرْبِي/ وَغُرْفَتِي  
وَكُتُبِي/ وَإِنْ سَلَكْتَ دَرَبِي/ عَلَيْكَ بِالنِّظَافَةِ (همان، ص ۲۳۹).

من همیشه/تمیزم و شیک پوش/بسیار آرام هستیم/دوست محیطم هستم/در خوردن و نوشیدن/در اتاقم تمیزم/کتاب‌هایم مرتب است/اگر می‌خواهی مثل من باشی/باید تمیز باشی.

سپس همه با هم این سرود را سر می‌دهند:

غَتُوا مَعِيَ وَقُولُوا: / مَا أَجْمَلَ النَّظَافَةَ / هَيَّا بِنَا جَمِيعًا / نَدْعُو إِلَى النَّظَافَةِ / لَا تَجْعَلُوا الشُّوَارِعَ / تَضُجُ بِالْمَدَامِعِ / تَشْكُو مِنَ الْقَدَارَةِ / وَتَسْتَعِثُ الْمَارَّةَ / نَظَافَةَ الْمَدِينَةِ / بِشَكْلِهَا الْبَدِيعِ / رِسَالَةَ أَمِينَةٍ / مُهَمَّةَ الْجَمِيعِ / يَا إِخْوَتِي، وَصَحْبِي / يَا رِفْقَتِي الْكِرَامِ / لِحَيِّتِنَا النَّظِيفِ / نَقُولُ: يَا سَلَامُ / نَقُولُ فِي الْخِتَامِ / لِطِفْلِنَا الْهُمَامِ / لَا تَنْسَ يَا صَدِيقِي / الْخَيْرُ فِي النَّظَامِ / مَا أَجْمَلَ النَّظَافَةَ / مَا أَرُوغَ اللَّطَافَةَ / دَوْمًا نَقُولُ مَرَحَى / لِعَالَمِ النَّظَافَةِ (همان، ص ۲۳۹).

همراه من بخوانید و بگویید: / چه زیباست تمیزی / بیایید همگی / همه را به نظافت دعوت کنیم / نگذارید خیابان‌ها / گریه کند / از کثیفی شکایت کند / و از عابران پیاده کمک بخواهد / تمیزی شهر / با شکل زیبای آن / یک پیام است / وظیفه همه است / ای برادران و دوستانم / ای همراهان عزیزم / ما به محله تمیز خود می‌گوییم: درود / در پایان می‌گوییم / به کودک عزیزمان / دوست من فراموش نکن / خوبی‌ها در نظم است / تمیزی چه زیباست / لطافت چه زیباست / همیشه می‌گوییم درود / به جهان پاکی‌گری. شاعر برای نزدیک کردن کردن معنای مورد نظرش به کودک از عنصر جان بخشی استفاده کرده است. وقتی خیابان‌ها کثیف باشند مثل کودکی ناراحت گریه می‌کنند و از رهگذران کمک می‌خواهند. تمیزی و نظافت خیابان و محله‌ها رسالتی است که به دوش همگان است.

مصطفی رحماندوست در سروده‌های «صابون»، «شانه و مسواک»، «صبحانه خوب»، «یک و دو و سه» و مجموعه شعری «یک مسواک و یک دندان»، اهمیت رعایت بهداشت و نظافت، تغذیه مناسب به ویژه صبحانه و ورزش را به کودک نشان می‌دهد. در شعر «شانه و مسواک» کودک را به رعایت نکات بهداشتی و استفاده از وسایل بهداشتی شخصی، توصیه می‌کند و او را از اینکه از وسایل شخصی

دیگران استفاده کند منع می‌نماید چرا که از نظر بهداشت فردی وسایل هر کسی به خود آن شخص اختصاص دارد و علاوه بر این او را به مسواک زدن تشویق می‌کند و اهمیت مسواک زدن از جمله خوش بویی دهان، خوش رویی چهره و سلامت دندان را به کودک تفهیم می‌کند.

آن شانه را بر مو نزن / چون شانه موی تو نیست / آن حوله بر صورت نزن / چون حوله مال دیگریست / مسواک او، مسواک اوست / مسواک من هم مال من / مسواک را با حوصله / هر شب به دندانت بز / مسواک کردن / چهره را خندان و خوش رو می‌کند / بوی دهانت را فقط / مسواک خوش بو می‌کند (همان، ص ۲۵).

مصطفی رحماندوست نیز در سروده (شهر و روستا)، (پاکیزگی شهر) بر حفظ پاکی و زیبایی شهر به عنوان محیط زندگی کودک، اهتمام می‌ورزد. در شعر پاکیزگی شهر از مجموعه شعری ترانه‌های پاکیزگی، شهر را به خانه کودک تشبیه می‌کند و همگان را به شهری پاکیزه بدون غبار و دود، فرا می‌خواند و می‌گوید:

این چیه؟ خیابونه / دود و دماش فراوونه / مغازه هاش قطار قطار / خونه هاشم هزارهزار / این جوی آب این طرف / آن جوی آب آن طرف / این طرف و آن طرف چیه؟ / هر جا که این دور و بر است / شهری که هر چی باشه / مال من و شماست / شهر رو تمیز نگه داریم / که شهر خانه ی ماست (همان، ص ۷).

## ۶- نتیجه گیری

ابراهیم ابوطالب از معدود شاعران یمن است که چندین دفتر شعری خود را به مضامین مختلف ادبیات کودک اختصاص داده است. او دین اسلام را مایه سعادت انسان می‌داند لذا در اشعار کودکانه نیز با گرایش دینی مباحث متعدد آموزشی را به اقتباس از آیات قرآن به کودکان آموزش می‌دهد. او در خلال آموزش از منعطف کردن ذهن کودک و ایجاد علاقه به فرهنگ و سنت عربی غافل نشده است. ابوطالب برای آموزش از محیط اطراف کودک دور نشده و از توصیفات حسی بهره می‌گیرد.

در واقع مسلمان بودن هر دو شاعر باعث ایجاد دید مشترک در به تصویر کشیدن مسائل برای کودکان است.

از میان انواع مختلف ادبی شعر به لحاظ وزن و آهنگ خود با روحیه شاد کودک هم خوانی داشته و از بهترین لوازم آموزشی است. ابوطالب در اشعار خود با به کارگیری کلمات ساده و اوزان سبک و مصراع‌های کوتاه علاوه بر کمک به تسریع آموزش دایره لغات کودک را افزایش داده و با آهنگ و وزن سبک اشعار علاقه کودک را به تکرار کلمات و جملات بر می‌انگیزد که باعث یادگیری تلفظ صحیح کلمات توسط کودک و پیشرفت مهارت زبانی او می‌شود.

با توجه به پرسش‌های پژوهش، نتیجه پژوهش در پاسخ به پرسش اول اینگونه است:

- هر دو شاعر با به کارگیری زبانی آسان و گیرا، فهم و درک مضامین اجتماعی، فرهنگی و ملی را برای نوباوگان میسر می‌گردانند و ضمن ارضای نیازهای عاطفی کودکان، نیروی اعتماد به نفس آن‌ها را تقویت می‌کنند. هر دو شاعر برای تبیین دلالت‌های معنایی مورد نظر خود از موسیقی، وزن و قافیه و نیز انواع صور خیال و آرایه‌ها و صنایع بدیعی چون تشخیص، مجاز، تشبیه، استعاره، تکرار، تناسب، طباق، مراعات النظیر و.... بهره گرفته‌اند.

در مورد نقاط افتراق دو شاعر می‌توان به کمیت پرداختن به بعضی موضوعات اشاره کرد مثلاً در بحث معرفی مشاغل «ابوطالب» نسبت به «رحماندوست» تعداد مشاغل بیشتری را معرفی نموده است.

و در پاسخ به سؤال دوم پژوهش مشخص گشت که، با توجه به زمینه دینی هر دو شاعر که از فرهنگ اسلامی نشأت می‌گیرد، سروده‌های کودکانه ابوطالب و رحماندوست، موضوعاتی چون حفظ ارزش‌های اخلاقی و کرامت انسانی را در وجود نونهالان سرزمین خود، نهادینه می‌سازد و ضمن آموزشی و تعلیمی بودن این قصیده‌ها، سرگرم کننده، جذاب و لذت بخش است.

آشنا نمودن مخاطبان خردسال با فرهنگ ملی و عامیانه، گسترش تعاملات اجتماعی، تاکید بر علم آموزی، ترغیب به کار و تلاش، آموزش خود شناسی و خدا شناسی، احترام به پدر و مادر و بزرگترها که با تناس آیات قرآن همراه بوده است، حفظ محیط زیست و منابع طبیعی و... از مهم ترین درون مایه های اشعار تعلیمی و آموزشی آن دو بوده است.

## ٧- منابع و مآخذ

### قرآن کریم

#### منابع عربی:

- ١- أبو معال، عبدالفتاح، (١٩٨٨م)، أدب الاطفال (دراسة و تطبيق)، الطبعة الثانية، عمان: دار الشروق.
- ٢- ابو طالب إبراهيم، (٢٠١٣م)، أنا أحب عملي، كتاب العربي الصغير، ٢٥، ص ١٣-٢٥.
- ٣- أبو عرقوب، أحمد حسن، (١٩٨٣م)، محاضرات في أدب الأطفال، عمان: دار الشروق.
- ٤- أبو طالب، إبراهيم، (٢٠١٦م)، أغاريد و أناشيد للبراءة ديوان شعر للأطفال، المملكة العربية السعودية: مؤسسة الانتشار العربي.
- ٥- بريغش، محمد حسن، (١٩٩٦م)، أدب الأطفال (أهدافه وسماته)، الطبعة الثانية، بيروت: مؤسسة الرسالة.
- ٦- حلاوة، محمد، (٢٠٠٠م)، الأدب القصصي للطفل (مضمون اجتماعي نفسي)، ط٢، الإسكندرية: مؤسسة حورس الدولية.
- ٧- الحديدي، علي، (١٩٨٢م)، في أدب الأطفال، القاهرة: مكتبة الأنجلو.
- ٨- زقوت، محمد، (١٩٩٩م)، المرشد في تدريس اللغة العربية، ط٢، غزة: الجامعة الإسلامية.

- ۹- شحاته، حسن (۱۹۹۱م)، *أدب الطفل العربي*، القاهرة، دار المصریة اللبنانیة.
- ۱۰- شرایحة، هیفاء، (۱۹۸۳م)، *أدب الأطفال ومکتباتهم*، عمان: المطبعة الوطنیة.
- ۱۱- الحوامدة، محمد فواد (۲۰۱۴م)، *أدب الأطفال: فنّ وطفولة*، عمّان: دار الفکر ناشرون وموزعون.
- ۱۲- شبلول، أحمد فضل، (۱۹۹۸م)، *معجم شعراء الأطفال*، المملكة العربیة السعودیة: دار المعراج الدولیة للنشر.
- ۱۳- نمر موسى، عبد المعطي، محمد عبد الرحيم الفيصل، (۲۰۰۰م)، *أدب الأطفال*، الأردن: دار الكندي للنشر والتوزيع.
- ۱۴- الوریث، إسماعیل بن محمد، فوح الیاسمین، (۲۰۰۷م)، *محطات من السیرة الذاتیة وقراءات فی الكتب والناس*، بیروت: دار العودة.
- ۱۵- الهاشمی، أحمد، (۱۳۹۳ هـ.ش)، *جواهر البلاغة*، المترجم: حسن عرفان، قم: نشر بلاغت.

### منابع فارسی

- ۱- حاجی زاده، مهین و دیگران، (۱۳۹۴ هـ.ش)، «بررسی و تحلیل اشعار تعلیمی سلیمان العیسی در حوزه ادبیات کودک»، پژوهشنامه نقد ادب عربی، شماره ۱۱، ص ۷۱-۹۶.
- ۲- رحماندوست، مصطفی (۱۳۶۷ هـ.ش)، *باغ مهربانی ها*، چ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳- رحماندوست، مصطفی (۱۳۷۷ هـ.ش) *۲۲ پرپر ۴ پر*، چاپ سوم، تهران: محراب قلم.
- ۴- رحماندوست، مصطفی (۱۳۷۹ هـ.ش)، *ماست و خروس و کدخدا*، چاپ سوم، تهران: محراب قلم.
- ۵- رحماندوست، مصطفی (۱۳۹۱ هـ.ش)، *نوشتن دوستت دارم*، چ اول، تهران:



سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.

٦- رحماندوست، مصطفی (١٣٩٤ ه.ش)، به نام دوستم خدا، چ اول، تهران: نشر پیدایش.

٧- شمیسا، سیروس، (١٣٧٠ ه.ش)، انواع ادبی، تهران: باغ آیینه.

